

شرح بی‌نهایت

گزیده‌ای از زیباترین سروده‌های احمد و

قرن چهارم تا امروز

مؤسسه مطالعات و اطلاع‌رسانی

منتظران موعود

مركز ادبیات آئینی

طاهرسلیمی‌آزاد

www.ketab.ir

عنوان و پدیدآوران: شرح بی نهایت: گزیده ای از زیباترین سروده های مهدوی (از قرن چهارم تا زمان حاضر) / پدید آوران طاهره مسلمی زاده، میلاد قنبری، اکبر حیدریان، امیر بوذری
 مشخصات نشر: مشهد: هاتف، ۱۳۹۷
 مشخصات ظاهری: ۸۵۶ص
 بهای: ۵۰۰۰۰ ریال
 یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - شعر
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها
 موضوع: شعر مذهبی - قرن ۱۴ - مجموعه ها
 شناسه افزوده: مسلمی زاده، طاهره
 رده بندی کنگره: PIR ۴۰۷۲
 نشانه: ۳۴ / م
 دیور: ۰۰۸۳۵۱ / ۸۶۱

- نام کتاب: شرح بی نهایت، گزیده ای از زیباترین سروده های مهدوی (از قرن چهارم تا زمان حاضر)
- پدیدآورندگان: طاهره مسلمی زاده، میلاد قنبری، اکبر حیدریان، امیر بوذری
- صاحب امتیاز: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقاتی رسانی منتظران موعود
- ناشر: انتشارات هاتف
- چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
- چاپخانه: حافظی راد

-
- مراکز پخش:
 - مشهد، خیابان آزادی، بازارچه سراب، پاساژ امیر - تلفن: ۳۲۱۵۵۲۰۰ - ۳۲۲۲۰۳۴۸
 - تهران، خیابان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، بین فروردین و اردیبهشت، پلاک ۱۹۱
 - تلفن: ۶۶۴۱۵۴۲۰ - ۶۶۹۶۲۹۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز سخن

از جمله هنرهای بشری تجلی آرمان‌های او در قالب نظم الفاظ است. این هنر دیرپا و کهن در میان همه هنرها به علت نفوذ و تأثیر آن بر عواطف انسانی و پیوند با خرد و دانش و حقایق هستی در قلّه زیبایی‌شناسی قرار داشته و همواره مورد توجه و استقبال اقشار مختلف جامعه اعم از دولت مردان، فرهیختگان، عموم مردم بوده است.

در ادوار گوناگون تاریخ در مجالس امرا و علما و بزرگان همواره سرایندگان شعر هنرنمایی می‌کردند. مادران با فرازهای زیبای شعر در کنار گاهواره، دل نآرام کودک را آرامش بخشیدند و می‌بخشند و شخصیت‌های بزرگ علمی و ادبی، مباحث جدی فلسفی، عرفانی و حقایق دینی را در قالب مثنوی‌ها و سروده‌های مختلف بیان کردند. این‌ها سرودهای شعری موجود شاهدهی بر این هنر ماندگار است.

سعدی، مولوی، حافظ، فردوسی، نظامی و باقانی توانسته‌اند صدها سال در فکر و ذهن نه تنها جامعه ما بلکه جامعه جهانی تأثیر بگذارند و در حقیقت عویت فرهنگی ما را نگه داشته‌اند و افکار بلند این خطه عالم خیز را در قالب شعر عرضه بدارند. نسل به نسل و دست به دست به آیندگان برسانند. زبان شعر زبانی ماندگار و اثرگذار است که خارج از محدودت زمان و مکان دور از دسترس حوادث روزگار به حیات خویش ادامه می‌دهد و هیچ سخنی هر چند بی‌حیاط و بی‌پروا و پرمغز نمی‌تواند مانند شعر در روح و جان مخاطب اثر بگذارد. با توجه به این اثربخشی و کرامت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام همواره شعر توحیدی، ولایی و انسانی را ارج می‌نهادند و شایسته تشویق و ترغیب می‌کردند.

شاعران و سرایندگان فارسی زبان نیز از نخستین سده‌های تولد شعر فارسی در مدیحه‌سرایی و برشمردن مناقب معصومین علیهم السلام به سرایش سروده‌های زیبا و پر معنا همت گماشتند؛ به گونه‌ای که این اشعار پس از گذشت قرن‌ها هنوز سربلند و باشکوه در گذرگاه زمان خودنمایی می‌کنند.

این کتاب نشان می‌دهد که عقیده به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن در شعر و زبان فارسی، سابقه‌ای دیرین به اندازه تاریخ ادبیات و به ویژه شعر دارد. البته اگر دامنه ادبیات را از شعر در ایران وسیع‌تر بگیریم می‌توان شواهدی از رسوخ این عقیده در بین فارسی‌زبانان و دلبستگان به زبان فارسی در دیگر نقاط یافت. یکی از مآخذی را که می‌توان در این زمینه مورد جست‌وجو و تحقیق قرار داد

مجموعه‌های شعری و تذکره‌های فارسی در شبه قاره، آسیای مرکزی و افغانستان کنونی است، زیرا می‌دانیم که از بسیاری شاعران به ویژه شاعران پیش از مغول دیوان کاملی در دست نیست، اما در این تذکره‌ها نمونه‌هایی از اشعار ایشان آمده است و با توجه به همان آثار و مآخذ می‌توان نمونه‌های جدیدتری از مدایح مهدوی پیدا کرد.

این کار می‌تواند دامنه وسیع‌تری داشته باشد و شاعرانی را شامل شود که به طور کلی در آرزوی ظهور فریادرسی، شعر سروده‌اند و همه ما غزل معروف خواجه حافظ را به یاد داریم:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

از غم و درد نکن ناله و فریاد که دوش زده‌ام فسالی و فریادرسی می‌آید

«مسیح نفسی» و «فریادرس» صرفاً تعبیری شاعرانه در وصف معشوق نیست و بسی وسیع‌تر، حاکی از عقیده ساعر است و شأنی است که در آن مبانی مهدوی را می‌توان یافت.

با بررسی کوتاه گذرا در سنجینه شعر فارسی دیده می‌شود مسأله مهدویت از دیرباز در شعر فارسی مطرح بوده و همواره ستاره‌ای بوده‌اند که گاه به صورت کنایی و غیرمستقیم و گاه به شکل روشن و آشکار به مدح و منقبت و برسیه و عظمت حضرت مهدی (عج) بپردازند و یا با به تصویر کشیدن موضوعاتی همچون انتظار، غیبت ظهور و توسل ارادت و شیفتگی خود را نسبت به ساحت مقدس امام عصر (عج) نشان دهند.

سرودن از مقام و جایگاه والای حضرت مهدی (عج) علاوه بر این که گامی است در جهت ترویج شعائر الهی و حرکتی در مسیر اعتلای کلمه حق؛ ابزاری است که می‌توان با آن جان‌های شیفته سخن ناب و هنرمندانه را بهتر و بیشتر با معارف و حقایق پیرامون اما سرانجام آشنا ساخت و از خاصیت رسانگی ادبیات در انتقال مضامین و آموزه‌های دینی بهره جست.

مجموعه حاضر کوششی است که از میان هزاران هزار شعر و سروده که سیمای امام زمان (عج) را به تصویر کشیده و مقام ایشان راستوده‌اند یا معارفی از مسائل مهدوی را بین کرده‌اند، به‌گزین شده است امید که دفتر حاضر برگی بر مجموعه معارف مهدوی بیفزاید و شیفتگان آشنایی با حضرتش را جرعه آبی باشد در میان سراب‌های زمانه.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

فهرست مندرجات

۱	مقدمه.....
۱	نگاهی به گستره شعر آیینی.....
۱	راز ماندگاری شعر آیینی.....
۲	بایستگی های تدوین گزیده شعر مهدوی.....
۵	ضرورت تدوین گزیده شعر آیینی از دانشنامه شعر مهدوی.....
۱۲	هدف و سودمندی تدوین گزیده دانشنامه شعر مهدوی.....
۱۳	ویژگی های ساختاری کتاب.....
۱۳	سخن پایانی.....

فصلنامه

شاعران / شاهبیت

شماره صفحه

۱۷	جیحون یزدی / ظهور او بر دانا بود بروز خدای.....
۲۰	میرزا عبدالکریم چاکر هنجنی / ز شور قد دل جویش قیامت ها شد.....
۲۴	بنایی یزدی / ما همه زنده ولی به مهر تو زنده.....
۲۷	آیت الله علی صافی گلپایگانی / بازای ای امام زمان، بازای.....
۲۸	قوامی یزدی / از ابر کف خویش خجل ساخته یم را.....
۳۱	حسن وثوق الدوله / روشن کند ز نور رخس عالم.....
۳۵	عمان نایینی / امکان به واجبیت سجود آرد.....
۴۰	علی خاتمی نوری / ای مالک ملوک جهان، برخیز.....
۴۲	نامی / باد بی حکم تو یک برگ نریزد ز درخت.....
۴۶	حکمت / جان عبادت است تو لایش.....
۴۸	بهجت قاجار / بنده فرمان اوست دژه و خورشید.....
۵۱	غلامرضا اسدی مقدم / مژده که شاه ذوالکرم بر همگی دهد شفا.....

- ۵۳..... علی شریف کاشانی / مأمور شد به امرِ فلک‌قدرِ تو، قدر.....
- ۵۵..... قاسم رسا / سحر از دامن نرگس برآمد نوگلی زیبا.....
- ۵۸..... احمد اسدالله نیای جامی / بیا کاین چرخ بداختر تو را از جان شود چاکر.....
- ۶۱..... سینای سپاهانی / من نکنم از تو هیچ جز تو تمنّا.....
- ۶۳..... خاوری کاشانی / دَم لطفش روان بخشد ز رحمت صد مسیحا را.....
- ۶۴..... ملاحسن داعی آرنی / ای آفتاب شرع و دین تا چند داری انزوا؟.....
- ۶۶..... غلامرضا سازگار / مهی ز طور عسکری دمد و کرد دلبری.....
- ۶۸..... حسن وثوق الدوله / روزی بر آید دست حق چون قرص خورشید از شفق.....
- ۷۲..... ملا ملک قم / حُسن از دیدهٔ تحقیق بود در جلوه.....
- ۷۵..... افسر کره‌ای / زر را از رویت اندر اکتساب است آفتاب.....
- ۷۶..... شکیب اصفهانی / از خ من سخای تو یک جو زر آفتاب.....
- ۷۹..... سلطان محمود پروانه / هر فرین تو نشود در جهان پدید.....
- ۸۰..... جدای قمی / روز عید است از بهر عاشقان بنمای چهر.....
- ۸۳..... میرزا محمدحسین فروغی / شا نظر کن نهان به من.....
- ۸۸..... ملاحیب‌الله شریف کاشانی / امری چ می دد عیان یابی رهایی از تعب.....
- ۹۱..... عارف بجنوردی / به زیبایی الحق تو را از بریب.....
- ۹۴..... محیط قمی / باشد گه تجلی یزدان ظهور تر.....
- ۹۶..... حسین زمانی چنارانی / چشم امید جمله تویی کستی نجات.....
- ۹۷..... سلیم تهرانی / رسم احسان و کرم با کف او همزاد است.....
- ۹۹..... ابوالقاسم سعیدی نجات / نه منش منتظم بلکه جهان منتظم است.....
- ۱۰۰..... مرتضی طایب شمیرانی / شعر گفتن جز به مدح حضرتش باشد.....
- ۱۰۲..... ابوالقاسم آقاریع / لطفش بسی زلال تر از آب کوثر است.....
- ۱۰۴..... حزین لاهیجی / بی‌وصف تو جان در تن من بارِ گران است.....
- ۱۰۷..... علامه کمپانی / بی‌تو فردوس برین بر همه بی‌الحزن است.....
- ۱۱۲..... صفای تویسرکانی / سال میلادش بود نور و به چشم ماست نور.....
- ۱۱۵..... خوشدل تهرانی / آن مالک حدوث و خدیو قدّم کجاست؟.....
- ۱۱۷..... مصطفی جلیلیان مصلحی / خیال روی مهت جلوه‌گاه خاطر ماست.....
- ۱۱۷..... سید علی قائمی عظامی / شود ز تیغ کجش پرچم عدالت، راست.....
- ۱۱۹..... صابر همدانی / نظام احسن کل را که این چنین زیباست.....
- ۱۲۲..... علامه کمپانی / ای طاق ابروی تو مرا قبلهٔ نیاز.....

- صحبت لاری / سحاب بیخت ز فیضش به بوستان قطرات..... ۱۲۴
- محمد نهاوندی / مه سپهر ولایت ز رخ نقاب گرفت ۱۲۹
- ملا ملک قمی / تیغت چو تاغ جائی به فرقی سران گرفت..... ۱۳۰
- رضوانی شیرازی / گویی امشب پرده از رخ خالق اکبر گرفت ۱۳۳
- ناصر قمشه‌ای / از یمن قدومت ساز چشم همه را روشن ۱۳۵
- ابوالقاسم حالت / تیرگی را دور سازد، روشنی آرد پدید..... ۱۳۷
- عنقای طالقانی / بدر این پرده پندار و بین حق را فاش ۱۳۹
- محیط قمی / بیش چشم سیر عیان وز چشم سر پنهان بود ۱۴۱
- شیخ علم سزوی / همای همت او آشیان در لامکان دارد..... ۱۴۳
- شباب کرما ساهی / پناه در دو جهان انس و جان برند به او ۱۴۹
- قوامی یزدی / گوی سپهر فضا در خم چوگان برد ۱۵۰
- علیرضا خسروانی محاسنی / رفت آن است که آبی ز پس پرده غیب ۱۵۲
- محمود شاهرخی / چه شو، مهر گر از زنده خبر گیرد؟..... ۱۵۶
- میرزا عباس خان آصف / حجاب بیست زری چو عقده از دل بگشا ۱۵۸
- طوبی / ز جا جنبش کن و بگشا عقال ناچه بیست ۱۶۲
- قدسی مشهدی / بی تو آتش زخم به دیده چو نسبی ۱۶۵
- مرتضی اشتری اصفهانی / پی تحکیم دین شیرازه بند حکم قرآن شد ۱۶۸
- اثر شیرازی / غفلت ما نشان مقدم اوست ۱۷۰
- صغیر اصفهانی / چه باشد گر ز پشت پرده بخرامی برون شد ۱۷۴
- عبدالحسین فرزین / مژده کز باد صبا نکهت ازهار آمد ۱۷۹
- امیر ایزدی همدانی / الا! یا اهل عالم، مهدی صاحب زمان آمد..... ۱۸۰
- شانی تکلو / ثنای گوهر او می کند فلک تحریر ۱۸۱
- قاسم سرویها / امشب از برج شرف، تابان مهی سر می زند..... ۱۸۷
- تراب کاشانی / دل آرزوی مهر رخت همچو جان کند ۱۸۹
- شکیب اصفهانی / هر زمان خیزد بخاری از بحار جود او..... ۱۹۰
- قوامی یزدی / اشارتی است ز روی تو جنت شداد..... ۱۹۲
- ذوقی اصفهانی / سرمه چشم ملائک بودش گرد جُود ۱۹۶
- طوبا شهرستانی / این گل وحدت ز نرگس آمده مولود ۱۹۸
- حسن وثوق الدوله / در شب وصل، خم طرّه او روز نجات ۲۰۰
- شکیب اصفهانی / نسیم گلشن لطفش، بهار باغ بهشت ۲۰۲

- ۲۰۴..... قاسم سرویها / او دوباره حرف حق را معتبر خواهد نمود
- ۲۰۵..... محمدرضا عمید نوری / خوش آن زمان که گذارد ز غیب رخ به شهود
- ۲۰۶..... رضا موحدی / صد طور و شجر ز نور او جلوه گر است
- ۲۰۸..... شکیب اصفهانی / خسروی از دودمان بوتراب آمد پدید
- ۲۱۰..... صابر اصفهانی / کشور دنیا و دین را شهریار آمد پدید
- ۲۱۱..... مرتضی اشتری اصفهانی / شکر ایزد را که قطب عالم رسید
- ۲۱۳..... ابن حسام خوسفی / آری به مدحتت نتواند بیان رسید
- ۲۱۷..... منشی کاشانی / بر جهان شد معنی «نور علی نور» آشکار
- ۲۱۹..... ادیب پیش روی / دارم دهن به یاد تو پر دژ شاهوار
- ۲۳۱..... حسین دولانی / تو حجت محبوب خداوند جهانی
- ۲۳۲..... سید نصرالله تقوی احمی / کی شود یارب برون آیی چو شمشیر از نیام
- ۲۳۵..... خباز کاشانی / کتاب از طلع حق یقین شد آشکار
- ۲۳۷..... تراب کاشانی / با تبه به که نه به زنهار روزگار
- ۲۴۰..... شکیب اصفهانی / شاه ملک معدا از غیب آمد در شهود
- ۲۴۲..... مرتضی اشتری اصفهانی / ای که هست تلب مجروح محبتان را شفاست
- ۲۴۴..... سید عبدالرضا آل شهیدی نجفی / همگر خورشید به صورت نورانی او
- ۲۴۵..... سروش اصفهانی / پنهان و فیض او ستیغ بیگه پدید
- ۲۴۷..... محمدهلی صاعد اصفهانی / پادشاهان بر در دولت سراش خود گدا
- ۲۵۰..... سید محمد خسرو نژاد / احیا شود به عهد تو حکم کتاب
- ۲۵۲..... طرب اصفهانی / برجی چو عسکری را ایش رو است خرسید
- ۲۵۴..... و صاف بیدگلی / قدر مأمور امر اوست چه در خیر و چه در شر
- ۲۶۱..... وافی بصری کزازی / نسیم مهر توام خوش تر از هزاران حور
- ۲۶۵..... ابن حسام خوسفی / تو را به روز کتابت قدر بود کاتب
- ۲۶۹..... ناظم هروی / قضا ز خامه حکم تو سر نمی بیچد
- ۲۷۳..... سرابی خراسانی / خدیو کشور ایجاد، مهدی موعود
- ۲۷۵..... صغیر اصفهانی / نهال گلشن تو حید بر گرفت امروز
- ۲۷۶..... حسن نصری کاشانی / قدر به خرگه او گشته بنده وار امروز
- ۲۷۹..... ادیب الممالک فراهانی / کوی تو را من حریم یزدان دانم
- ۲۸۳..... ملک الشعرا ی بهار / بنده است اقا به یزدان ارتباط جسم و جانش
- ۲۸۵..... شکوهی تهرانی / مدحتگر او یزدان گردیده به فزانش

- حاجب شیرازی / طلوع ای آفتاب طبع کن از مطلع دیگر ۲۸۸
- جویا تبریزی / مهدی هادی آن که بود نور صبحدم ۲۹۷
- خوشدل تهرانی / بارد سپهر نفل بهستی به جای برف ۳۰۰
- بقای سپاهانی / ز عکس رویش دیبا طراز گشت بهار ۳۰۲
- محیط قمی / دل شکسته به دست آر اگر خدا طلبی ۳۰۴
- احمد شیرازی / بود ز دامن وصف تو دست عقل قصیر ۳۰۶
- مرتضی طایبی شمیرانی / پناه عالم و حرز جهان و ملجأ ناس ۳۰۸
- ذوقی اصفهانی / ای گفت بحر عطا، دست خدا، دستم گیر ۳۱۱
- آذری طوسی / خورش وقت آن کسی که ببیند جمال تو ۳۱۳
- شیخ محمد براد صافی گلایگانی / نهفته‌ای رخ چون مه اگر به زیر حجاب ۳۱۵
- ذوقی اصفهانی / ای چهره عیبه اهل صفا بیا ۳۱۹
- عبدالحسین شریفی / ای دیر ای یگانه آفاق ۳۲۱
- طرب اصفهانی / یک قطره جوش به بهان هر چه بود یم ۳۲۳
- بنایی یزدی / ای خوش آن روزی که در آس بر قسط و عدل ۳۲۵
- حضور سلماسی / فلک به طاعت تو کرده دست یم به سجود ۳۲۷
- شیخ محمد حسن صدری / ای به درگاه تو ما که سران ۳۳۱
- شانی تکلو / جز در بر تو همچو گریبان سزم مباد ۳۳۳
- معین صمدانی کرمانی / ریزه خوار آل احمد زاو لین و آخرین ۳۳۸
- شوقی اصفهانی / مهر تو در کام دوستان تو چون شهد ۳۴۰
- علی آذرخش شیرازی / برد شعبانم ز خاطر یاد جنات النعیم ۳۴۲
- صابر همدانی / غیبت او ز نظرها بود از فرط ظهور ۳۴۴
- عنقای طالقانی / تو آفتاب وجود، جهان سراسر حجاب ۳۴۶
- سالک کرمانشاهی / مدح او افزون تر است از هر چه گنجد در ضمیر ۳۴۹
- محمد رضوی «کیوان» / ای ز صدای مدح تو گوش زمانه پر طنین ۳۵۱
- طرب اصفهانی / همه در حکم فرمانش چو گو اندر خم چوگان ۳۵۲
- ثابت کرمانی / لیل القدر حکایتی از غیبت وی است ۳۵۴
- سروش اصفهانی / ز نور اوست که آنجم همی بود تابان ۳۵۷
- یحیی شیدا / ز آن امام راستین گردد به پا شرع نبی ۳۵۸
- فیض ثانی / وصی خاتم و هم خاتم الوصیین او ۳۶۱
- شکیب اصفهانی / پیش رخت کم ز ذره مهر درخشان ۳۶۲

- ۳۶۴ میرزا جواد تجلی / یک آیتی ز آیت خوی خوشت جنان
- ۳۶۷ مقدس علیشاه فانی / بر اوصیا همه خاتم بود به نص بیان
- ۳۷۳ عارف بجنوردی / کیست به غیر از تو دل نواز محبتان؟
- ۳۷۵ بهجت قاجار / به سان چشمه حیوان ولای اوست جان پرور
- ۳۷۸ هادوی بیرجندی / بنشین بر گاه سروری چون جان
- ۳۸۰ حضوری سلماسی / گر نباشد او نباشد چرخ و انجم را مدار
- ۳۸۱ گلزار اصفهانی / پرده بردار از جمال ای روی توری خدا
- ۳۸۳ سرابی خراسانی / خم شده پشت فلک اندر پی تعظیم او
- ۳۸۶ میرزا محمد حسین فروغی / به جان آمد جهان بی طلعت تو
- ۳۹۲ موافق اصفهانی / بی ولایش طاعت عباد کی گردد قبول؟
- ۳۹۳ شیخ علی منزوی / کم از شبه بر خاک در تو در عدن
- ۳۹۶ محمدعلی فروغی / خاک و کحل چشم در عدن
- ۳۹۸ محمدعلی فروغی / سینه ازل سینه اوست
- ۴۰۱ ملک الشعراء بهار / من نجیم بهر هوای دل تو
- ۴۰۲ ادیب پیشاوری / مدح تجدید است در تجدید ناید ذات تو
- ۴۱۰ مظفر شیرازی / براق عقل به معراج مدح است واماند
- ۴۱۴ مفتون آذربایجانی / چشمه حیوان ز فیضش اسباب آید برون
- ۴۱۵ پاکزاد / آفتاب عدل از پشت سحاب آید برون
- ۴۱۶ نظام‌الدین استرآبادی / دُر مدح توست یک سر بر زبان خاتم
- ۴۱۹ شکیب اصفهانی / ز کان همت او دژه‌ای دو صد خورشید
- ۴۲۲ عماد تهرانی / مفتون چشم وی نگر، شاه و گدا و مرد و زن
- ۴۲۵ خازن / مفتون عشق او، دل‌های خاص و عام
- ۴۲۶ ابوالقاسم طلوع / ای آن‌که ز توست شرع را زینت
- ۴۲۸ سالک قزوینی / صاحب‌دا در ورطه محنت جگر خوارم مبین
- ۴۳۴ آیت‌الله العظمی سید روح‌الله خمینی (ره) / دانند قرآن سر به سر بایی ز مدحش مختصر
- ۴۳۹ آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی / ای سجده‌گاه اهل نظر خاک پای تو
- ۴۴۰ سینای سپاهانی / به بام قدر تو کیوان بود یکی هندو
- ۴۴۲ صغیر اصفهانی / ختم سخن تویی به میان آ
- ۴۴۴ ذوقی اصفهانی / تیغش ز شکل دشمنان ترکیب جوزا ریخته
- ۴۵۲ مرتضی طایبی شمیرانی / پیش رخ رخشان تو گل کمتر از خار آمده

- ساقی خراسانی / در حشمت او نمله ای ملک سلیمان آمده ۴۵۶
- عبدالله مهندس / بیرون منه ز دایره انتظار پای ۴۵۸
- خرم شیرازی / الا ای هادی غایب، جهانی مر تو را طالب ۴۶۰
- عبدالحسین شریفی / بر وجود مُصلح کُل، نیست کس را اختلاف ۴۶۲
- شوکت شیرازی / مرا با تلخ کامی ها همی شیرین زبان کردی ۴۶۴
- حسن وثوق الدوله / آفرینش از تو مشتق همچو فعل از مصدرش ۴۶۹
- طالب آملی / ای شرع تو مَرُوج دین پیمبری ۴۷۱
- موافق اصفهانی / مرا به هر دو جهان خاک رهگذار تو بس ۴۷۵
- حمید سنزاری / امد امام محتشم کز کفر بستاند عَلم ۴۷۷
- گلزار اصفهانی / در حُسن با تو کس ننماید برابری ۴۷۹
- طوفان مازندرانی / یک و تن بگشود صبح و گشت خورشید آشکار ۴۸۰
- حسن وثوق الدوله / شادی است، مهر او ثمرش صحت و شفا ۴۸۴
- نعمت الله ذکایی بیضایی / عرش را بریر ظل خود نهان دارد همی ۴۸۵
- عارف بجنوردی / شیر فلک به لبت در آستان صولتش ۴۸۸
- محمد رضا عمید نوری / به معنی خبر و اسب قران اوست ۴۹۱
- حاجی جناب شهاب / وجودش گوهری باشد که هر نابدش پیدا ۴۹۲
- محمد علی صاعد اصفهانی / شیرین حدیث لب تو نقل محافل است ۴۹۴

غزلها

- غلامرضا سازگار / نام آن خوب تر از جان به زبان است این جا ۴۹۹
- سید حبیب الله زیتونی / بیا تارونق نو در گل و نسرين شود پیدا ۵۰۰
- رضا مهدی پور هوشیار / به استاد ازل جانا تویی منظور در عالم ۵۰۱
- طوطی همدانی / شمس از رخ تو کسب کند نور و ضیا را ۵۰۲
- سید محمد خسرو نژاد / در فراق تو بود قلب پریشان ما را ۵۰۳
- پریشان گلپایگانی / عالم قفس است بی تو ما را ۵۰۴
- رضا صفاهانی / قلب من لبریز خون است ای بهار آرزو ۵۰۵
- محمود سیفی شیرازی / مهر او قوت دل، قوت روان است مرا ۵۰۵
- قاسم سرویها / دل نوازه، شب میلاد تو باشد شب قدر ۵۰۶
- مرتضی اشتری اصفهانی / آگه از راز درون جز تو کسی نیست مرا ۵۰۷
- فایض اصفهانی / در راه انتظار تو چشمم سپید شد ۵۰۸

- بنایی یزدی / بود پژمرده گل، پیش صفای روی نیکویش ۵۰۸
- علیرضا قزوه / شهادت می‌دهم معراج یعنی چشم‌های تو ۵۱۰
- حبیب چایچیان / دیدن روی تو باشد چاره‌آلام ما ۵۱۱
- نصرت‌الله کاسمی / یارب مباد جز به در او پناه ما ۵۱۲
- صفای تو یسرکانی / قدمی رنجه کن ای ماه شبی از ره مهر ۵۱۲
- فرشید علیزاده / آیینۀ تمامی آدینه‌ها تویی ۵۱۳
- محسن صافی گلپایگانی / عالم فدای روی تو ای رشک آفتاب ۵۱۴
- علی فردوسی / پایین نشین عرصۀ حسنت بهارها ۵۱۵
- محمدعلی بردان / شد ز اکسیر کلامت بی اثر اکسیرها ۵۱۶
- حبیب چایچیان / تنها تویی جواب تمام سؤال‌ها ۵۱۷
- قیصر امین پور / طرح لخند تو پایان پریشانی‌ها ۵۱۹
- محمود صادقی / بیا وزان دم قدسی ترانه‌ای سر کن ۵۲۰
- ابوالحسن حسامی / بنما مال تا که کنیم اقتدا بیا ۵۲۱
- سیدمحمد جواد شرافت / تو ای ماه ربه در پایت تلاطم می‌کند دریا ۵۲۲
- محمد آزادگان / بهر دیدارش بر آرد آخوی سر آفتاب ۵۲۲
- حسین منزوی / بشکف که چتر بار کنی، سر جهان ۵۲۳
- عبدالعلی نصر اصفهانی / ز حسن عالم آفرینش بی‌روشنی روشن است امشب ۵۲۴
- محمدحسین طباطبایی / در راه عشق تو ز روبرو چه حاجت است؟ ۵۲۵
- حسن بهاری / بیا که بی تو جهانی به دیده‌ام تار است ۵۲۵
- مشفق کاشانی / رویت به هر چه می‌نگرم در برابر است ۵۲۷
- سید نعمت‌الله حسینی کهلهایی / ای وجودت سبب خلقت این کنی و مکان ۵۲۸
- اکرم عیسی‌آبادی / نمی‌آیی و بی تو کوجه‌های شهر دلگیر است ۵۲۹
- غلامرضا سازگار / دل سینۀ سینا و در آن طور غم توست ۵۳۰
- غلامرضا سازگار / لبی که وصف تو گوید چو صبح خندان است ۵۳۰
- محمدجواد غفورزاده / بازآ و روح در تن این مردگان بدم ۵۳۱
- میرسید علی تقوی آخوی / دائم من این قدر که جهان جلوهای ز توست ۵۳۲
- محمود شاهرخی / بازآ و باز گیر ز اهریمنان نگیں ۵۳۳
- محمدتقی مؤذن فرد ساوجی / شأن تو چو دریا سخن من چو نم است ۵۳۴
- میثم مؤمنی نژاد / دنیای بی نگاه تو تاریک و مبهم است ۵۳۵
- غلامرضا سازگار / در این حریم محرم کوی تو محرم است ۵۳۵

- ۵۳۶ حداد کاشانی / مه بر رخ چون مهر تو دایم نگران است.
- ۵۳۷ بهروز یاسمی / ای گشاینده ترین دست کلید تو کجاست؟
- ۵۳۹ حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای / خورشید من برای، که وقت دمیدن است.
- ۵۳۹ حداد کاشانی / قیام کن که قیام تو چاره ساز من است.
- ۵۴۱ کیومرث وثوقی / مطلع حُسن ازل، طلعت پور حُسن است.
- ۵۴۱ سید حبیب‌الله زیتونی / حُسنی که تو را بوده ز اندازه برون است.
- ۵۴۲ نجمه زارع / هر جمعه راه سمت تو انگار بسته است.
- ۵۴۳ محمدعلی مرانی / مرا به سلسله از پای تا به سر بسته است.
- ۵۴۴ حمیدرضا سکا، سری / به جز تو امیدی به سویی نمانده است.
- ۵۴۵ محمدعلی مجاهدی / ناب عشق تو را از بلا هراسی نیست.
- ۵۴۶ همایون علیدوستی / پر شرمین ز بوی بهاری که در ره است.
- ۵۴۷ محمدحسن صفوی پور / در غیب و ببین حال عاشقانت را.
- ۵۴۸ محمدرضا روزبه / قسم به آنکس آینه خانه‌ام ابری است.
- ۵۴۸ سیدمحمدجواد شرافت / دنیای با حضور تو دای دیگری است.
- ۵۴۹ ابراهیم سنایی / به سمت قبیله دل‌ها در دگر بانی است.
- ۵۵۰ مصطفی موسوی گرمارودی / شراب کهنه ما در هم جهان باقی است.
- ۵۵۱ مهدی رحیمی / مهتاب پشت ابر نشان خجستگی است.
- ۵۵۱ سیدمحمد میرهاشمی / ای کوه صبر از غم زهرا شدی و ابر.
- ۵۵۲ محمدرضا یاسری / در دیاری که بود عشق تو دیار کجاست؟
- ۵۵۳ ماهر اصفهانی / هر جا نگرم، آیت روی تو عیان است.
- ۵۵۴ مرتضی جام‌آبادی شراهی / عمر آن سلسله‌گیسو به جهان باد دراز.
- ۵۵۵ حسن صالحی دولابی / دیدار دوست در همه عمر آرزوی ماست.
- ۵۵۶ عباس سالاری شهرضایی / در چهره گل پر تو رخسار تو پیدا است.
- ۵۵۶ حیران توسرکانی / خزم آن سینه که اسرار خیال تو در اوست.
- ۵۵۷ مرتضی جام‌آبادی شراهی / هستی به یمن هستی او می‌کشد نفس.
- ۵۵۷ محمودوزنه / برده از رخ بر فکن، بین عالمی دل خون توست.
- ۵۵۸ مرتضی جام‌آبادی شراهی / آینه‌دار روی خدا روی ماه توست.
- ۵۵۹ سید حبیب‌الله زیتونی / منصب تاجوری ویژه زیبایی توست.
- ۵۶۰ خلیل صابری امین‌آبادی / بیا که بی تو بود زیستن مجال ای دوست.
- ۵۶۱ سید هبه‌الله بهشتی لاری / دیدار نور مردم چشمانم آرزوست.

- ۵۶۱ حسینعلی غفوری / بی‌گل روی تو زندان است شاها این جهان
- ۵۶۲ شیخ حبیب علیشاهی / چشم ملک ندیده جمالی چنین جمیل
- ۵۶۳ محمدکاظم طوسی / بردار ز رخ پرده تو ای مهر دل افروز.....
- ۵۶۴ حسن صالحی خمینی / یوسف مصر ملاحه، سوی بازار درآی.....
- ۵۶۵ مصطفی جلیلیان مصلحی / بدون مهر تو جان را حیات ممکن نیست.....
- ۵۶۵ علی صفایی کاشانی / مهدی فاطمه از پرده غیبت به در آی.....
- ۵۶۶ حبیب چایچیان / هم دورم و هم از تو مرا فاصله‌ای نیست؟.....
- ۵۶۷ محمدجواد غفورزاده / دوام هجر تو تقصیر ناسپاسی ماست.....
- ۵۶۷ حداد کاشانی / زنده سلم حکمت ز کهکشان برداشت.....
- ۵۶۸ حداد کاشانی / چشمم به پای بوسی تو دسترس نداشت.....
- ۵۶۹ سیدحمیدرضا برقی / بی تو تمام زندگی‌ام در عدم گذشت.....
- ۵۷۰ محمدتقی عزیزباز / بدون چشم تو دنیا خرابه‌ای می‌شد.....
- ۵۷۱ محمد عابد تبریزی / بی تو من به جلوه کران تا کران گرفت.....
- ۵۷۱ محمدحسن صفوی پور / شمع و چراغم از تو چنین روشنی گرفت.....
- ۵۷۲ پاشا صمیمی خلخالی / در دل تیر شد "هر تو گردید پدید.....
- ۵۷۳ سید حبیب‌الله زیتونی / ای رخت را جلوه جانم لغات.....
- ۵۷۴ رضا اسماعیلی / بر آن سرم که بخوانم نماز بر آتش.....
- ۵۷۴ آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی / بر مستی‌ام از آتش عشقش شرر افتاد.....
- ۵۷۶ شیخ محمدجواد خراسانی / دلم ز شوق تو هر لحظه می‌کند ز یاد.....
- ۵۷۷ محمدرضا احمدی فر / طنین یاد تو از روز و شب نمی‌افتاد.....
- ۵۷۷ سید حبیب‌الله زیتونی / ای چشم خدا، نرگس شهلا به تو زبید.....
- ۵۷۸ محمود صادقی / با شوق دهم جان که به رویت نظر افتد.....
- ۵۷۹ رضا صفاهانی / به پیش روی ماهت یوسف مصری خجل باشد.....
- ۵۸۰ سیدحمیدرضا برقی / بی تو چندی است که در کار زمین حیرانم.....
- ۵۸۱ نعمت‌الله صادقی مقیمی / مقصدم مهدی زهراست در این راه وصال.....
- ۵۸۲ مصطفی جلیلیان مصلحی / ای روح عدالت تویی آن منجی عالم.....
- ۵۸۲ حبیب چایچیان / جان شیرین جهان، خسرو دین می‌گذرد.....
- ۵۸۳ غلامرضا زربانویی / من جمعه‌ها را کوچه کوچه خیمه بستم.....
- ۵۸۴ احمد ذابح / به نثار قدمت، عرش گهر می‌ریزد.....
- ۵۸۵ آیتی بیرجندی / احمد ثانی بی تعلیم امت می‌رسد.....

- ۵۸۶..... حسین فولادی / روزی آخر انتظار ما به پایان می‌رسد.....
- ۵۸۷..... سید حبیب نظاری / تو می‌رسی دلم از جا بلند خواهد شد.....
- ۵۸۸..... سعید تکلومنش / طلوع مهر تو فردا دمیده خواهد شد؟.....
- ۵۸۸..... علیرضا قزوه / خدا با ما که دل تنگیم سرسنگین نخواهد شد.....
- ۵۸۹..... مدرس صادقی اصفهانی / ای آن‌که مدیح تو در آیه قرآن شد.....
- ۵۹۰..... مهدی جهاندار / آشنای لافتنی آلا علی اینک کجاست؟.....
- ۵۹۱..... سیدعباس حسینی جوهری / معمایی ز موی اوست «واللیل اذا یغشی».....
- ۵۹۲..... یحیی ریحان / بان الکن و لالم به وصفت دُرُفشان آمد.....
- ۵۹۴..... شیخ محمد عیسی / عارضش را نتوان گفت خور و مه به مثل.....
- ۵۹۵..... محمد وارسته کاشانی / طلوع می‌کند آخر ستاره موعود.....
- ۵۹۶..... سید حبیب‌الله زیتونی / من درم شاه شاهانم ز والا گوهری.....
- ۵۹۶..... داوود هوشنگ روشنگر / کجایی ای همه خوبی؟ کجایی ای همه عشق؟.....
- ۵۹۷..... عزیزالله خدای / ستاره‌ها همه بی‌زندان خورشیدند.....
- ۵۹۸..... جعفر رسول‌زاده / ای صد بهار از بر شکر تابیا.....
- ۵۹۹..... حسین دارند / به سایبان نرگست، شکر فیه خراب دل شود.....
- ۶۰۰..... غلامرضا سازگار / بی تو غروب جمعه چه دستیر می‌شود.....
- ۶۰۱..... محمدعلی شهاب / دلم محراب زیبایی چو ابروی ته می‌خندد.....
- ۶۰۲..... مرتضی طایی شمیرانی / نور الهی ز پشت پرده درآید.....
- ۶۰۴..... رجاء اصفهانی / بشارت باد یاران مهدی صاحب زمان آید.....
- ۶۰۵..... سید محمد تقی مقدم / غم نباشد که ز ره سرو خرامان آید.....
- ۶۰۵..... محمدحسن صفوی پور / بهار ماست زمانی که یار می‌آید.....
- ۶۰۷..... احمد خوانساری همدانی / چراغ عشق ز میعاد نور می‌خندد.....
- ۶۰۷..... رضا نوربخش / باز آ که بی تو گلشن دین را شرر رسید.....
- ۶۰۸..... مشفق کاشانی / که گل به بوی تو در هر بهار می‌روید.....
- ۶۰۹..... الهام امین فوزدی / من زنده‌ام به یمن نفس‌های گرم تو.....
- ۶۰۹..... سیدحسین نبوی گرگانی / شاه من سوی دل سوخته دستی تو برآر.....
- ۶۱۰..... غلامرضا سازگار / اگر ثنای تو نبود، چه حاجتم به زبان؟.....
- ۶۱۱..... اویس افشار / گویا دنیای ما گشته سرای انتظار.....
- ۶۱۲..... عباس شاکر / آفتاب ذره پرور، سایه پروردگار.....
- ۶۱۳..... سیدمحمد تقی مقدم / بُرُقع از چهره‌ات، ای مصلح عالم، بردار.....
- ۶۱۴..... حسین فولادی / کی شود یارب که آن مه پاره باز آید به در؟.....

- ۶۱۵..... سید حبیب‌الله زیتونی / امروز تویی دارا بر تخت سلیمانی
- ۶۱۵..... سید حبیب‌الله زیتونی / بازآ، به پایت عارف و عامل نهند چشم
- ۶۱۶..... رضا افضلی / آمد به رزم تیرگی شب، سپاه نور
- ۶۱۷..... سید مرتضی کهتر اصفهانی / جهان جان شد و جوشید فیض کوثر نور
- ۶۱۸..... محمد آزادگان / آخر دمی برآر جمال از نقاب نور
- ۶۱۹..... احمد فرجی / هدیه‌ای از جانب ربّ غفور
- ۶۲۰..... حسین لاهوتی / وصف مهدی نیست در حد بشر
- ۶۲۱..... عبدالحسین فرزین / در دل از شوق رخ ماه تو طوفان شد باز
- ۶۲۲..... خلیل صابری / بنمای رخ و رونق شمس و قمر انداز
- ۶۲۳..... محمد نبیل / تا عشق زد آتش به دلم، شد ثمرت سبز
- ۶۲۴..... سیمیندخت حیدری / تا صدک ز صبحی نو آورد خبر آن روز
- ۶۲۵..... عبدالعلی نصر اصفهانی / صبا رساند مگر مزده بهار امروز
- ۶۲۶..... فایز تبریزی / اندر فراق تشنه‌ام چون یخ تموز
- ۶۲۶..... سید حبیب‌الله زیتونی / کی بودا ستین بیرون شوی ای دست حق
- ۶۲۷..... سید محمدعلی میرفخرایی / به شام همه نعبان گل نرگس شکوفا شد
- ۶۲۸..... علیرضا قزوه / کلید آسمان در دست تری می‌سد راه
- ۶۲۸..... نعمت‌الله صادقی مقیمی / ای آرزوی جمله ادب، خوش آمدی
- ۶۲۹..... شیخ محمدجواد خراسانی / کسی نرفته ز دربار مقتدر نومد
- ۶۳۰..... مصطفی دانش سلیمانی / به پیش غمزه چشم تو غمزه‌ها هم منظرود
- ۶۳۱..... مرتضی جام‌آبادی شراهی / جانم به تو مشتاق و روانم به تو مابری
- ۶۳۱..... سید حبیب‌الله زیتونی / غیر از تو گل سراغ ندارم در این جهان
- ۶۳۲..... مرتضی اشتری اصفهانی / شده است ختم امامت به نام حضرت او
- ۶۳۳..... محمدحسین انصاری نژاد / گلی خزان زده‌ام، تشنه بهار توام
- ۶۳۳..... محمد آزادگان / زیر پای مردم دون همچو مور افتاده‌ام؟
- ۶۳۴..... علیرضا بدیع / طره از پیشانی‌ات بردار ای خورشید من
- ۶۳۵..... رضا صفاهانی / یا لَلعجب که دل شده بیمار عشق تو
- ۶۳۶..... محمدرضا آقاسی / ای نگهت خاستگه آفتاب
- ۶۳۸..... حسین اسرافیلی / مثل طوطیان هر دم نام تو به لب دارم
- ۶۳۸..... محمد آزادگان / ای مصوّر، صورت دلدار ما بی‌ناز کش
- ۶۳۹..... سید حبیب‌الله زیتونی / خوانم از سوره «والشمس»، رُحّت قصد کنم
- ۶۴۰..... رضا باقریان / دیر آمدیم و سرورمان را ندیده‌ایم

- سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی / ما دل به تو دادیم و ز اغیار گذشتیم ۶۴۱
- سید حبیب الله زیتونی / هم سر ز اسرار است، هم مشرق انوار است ۶۴۱
- تهرانی / ز نور روی انورش خور خجل ۶۴۲
- احمد مشجری / بیا از مهر رخسارت جهانی را منور کن ۶۴۳
- غلامرضا باهر / گر کعبه نیست، کعبه دل هاست، جمکران ۶۴۵
- ابوالقاسم علی مدد کنی / دست دست کبریایی دارد اندر آستین ۶۴۷
- طوطی همدانی / می کند بر پا قیامت قامت صاحب زمان ۶۴۷
- طوطی همدانی / آفرنش هست چون شاخ و وجود او ثمر ۶۴۸
- حبیب الله آراصفهانی / تمام گردش چرخ و فلک به رخصت اوست ۶۵۰
- خباز کاشانی / یوسف گمشده اسلامیان گردد عیان ۶۵۱
- عباس سالاری شهر بایی / مفید و آرزوی همه عاشقان بیا ۶۵۲
- آیت الله علی صافی گلپایگانی / هر که بود رضای او هست به جان رضای من ۶۵۲
- سید علی شجاعی تهرانی / نیک مگر ره رسی ای شهسوار من ۶۵۳
- عباس مصباح زاده / در قفس بگشا بین چه جا دارم من ۶۵۵
- آیتی بیرجندی / گیری چو در بز ماه خود، در از بران من ۶۵۵
- عباس خوش عمل / که رسیده پشت پرچین ز سف سواره من ۶۵۶
- سید حبیب الله زیتونی / التهاب عاشقان را نیست خاوشی به آید ۶۵۷
- محمد علی صفری / از پرده غیبت درآ، بگشایی بهر سخن ۶۵۸
- حسن صالحی خمینی / سردبیر مکتب علم الکتاب آید برون ۶۵۹
- حداد کاشانی / آخرین نقش نگین مهر خاتم را ببین ۶۵۹
- سید محمد معصوم نسابه / بحری و پنهان کرده ای اندر صدف آن گوهری ۶۶۱
- سید حبیب الله زیتونی / در صدف تا چند پنهان باشی ای دُرّ ثمین ۶۶۲
- اصغر بحرانی / مزده کز بیک صبا آمد بشارت بر زمین ۶۶۳
- سید حبیب الله زیتونی / جنت عاشق نمی باشد به غیر از کوی او ۶۶۳
- منیر سیدی / باز آ که بشکفد گل من در کنار تو ۶۶۴
- حبیب چایچیان / باغ بهشت بی تو ندارد طراوتی ۶۶۴
- یدالله گودرزی / دو ابروی تو شاهین وزین خلقت است آری ۶۶۵
- شهریار / مه بر لب افق لبهای از کلاه تو ۶۶۶
- سید علی شجاعی تهرانی / ای توتیای دیده من خاک پای تو ۶۶۷
- حضرت آیه الله العظمی خامنه ای / چو شمع کشته، ندارم شراره ای به زبان ۶۶۸
- سید حبیب الله زیتونی / بی تو از زندگی است عارم و می دانی تو ۶۶۸

- ۶۶۹ علی قاضی زاهدی گلپایگانی / دوش بدیدم به دوش ریخته گیسوی تو.
- ۶۷۰ سیدحسن حسن‌زاده / گلشن شود جهان ز دم مشک‌بوی تو.
- ۶۷۰ مرتضی اشتری اصفهانی / خاکش به دوصد افسر دارا زده پهلوی.
- ۶۷۲ سیدعلی موسوی گرمارودی / خویشان را به چشم ما بنما.
- ۶۷۳ حسن فروتن / ماه‌رویان جهان مات رخ چون مهر او.
- ۶۷۴ عباس سالاری شهرضایی / مهر فلک از خجلتش سر در گریبان آمده.
- ۶۷۵ محمدباقر ناصریان فرد / حیران شود ز حُسن و جمالت هرآینه.
- ۶۷۶ شیخ حبیب علیشاهی / صبح ازل ز مشرق روی تو آیتی.
- ۶۷۷ عباس دانش‌زاده / ای جلوهٔ مرآت حق وی ناطق آیات حق.
- ۶۷۹ صالح علی‌راد / شب و روز می‌تپد دل به هوای شوق و صلت.
- ۶۸۰ محمدحسن صفوی پور / کن ندارد با فراق خاطر آسوده‌ای.
- ۶۸۱ سیدعلی اصغر موسوی چاب‌سار / شهری به گفت‌وگو که تو مهمان کیستی.
- ۶۸۱ آیت‌الله العظمی لطف‌الله صابری گلپایگانی / ما بسته‌ایم دل به کمند ولای تو.
- ۶۸۲ محمدحسن صفوی پور / زان که سر تا پای او معیار انسانیت است.
- ۶۸۳ شیخ محمدجواد خراسانی / بود عشق من از هر دو عالم.
- ۶۸۴ نغمه مستشار نظامی / تو حاضری بی آنکه غایب کرده باشی.
- ۶۸۵ پشیمان گیلانی / ای رُحّت معنی والشمس بر دو زلفت لیلیل.
- ۶۸۷ جلیل موسوی / غایباً بنما فرج نامحرمان مأیوس کن.
- ۶۸۷ محسن صافی گلپایگانی / ای گل نرگس ز ما دوری گزین تا بنی کی؟
- ۶۸۸ مشفق کاشانی / ظهورش وعدهٔ حق است با آیات فرقانی.
- ۶۸۹ قیصر امین‌پور / بیا که صاف شود این هوای بارانی.
- ۶۹۰ نوری توپسرخانی / ز شمیم پیچ زلفت شده یک جهان معطر.
- ۶۹۱ غلامرضا دبیران / بیا بیا که به یک گل جهان بهار کنی.
- ۶۹۲ احد چگینی / عصر کدامین جمعه را صبح تماشا می‌کنی؟
- ۶۹۳ محمدعلی خیرآبادی / جان جهان، تو را چه شد یاد وطن نمی‌کنی؟
- ۶۹۳ شهریار / خوشم که نقل حدیث فتاده در افواه.
- ۶۹۴ شعبی / فاش شد جمله حقایق ز گل روی منیرت.
- ۶۹۵ حبیب چایچیان / نور خدا و چشمهٔ مهر و صفا، تویی.
- ۶۹۷ رضوانی شهرآزی / همه جا به هر زبانی بود از تو گفت‌وگویی.
- ۶۹۷ عباس مصباح‌زاده / ز پس حجاب غیبت نظری به عاشقان کن.

مثنوی‌ها

- ۷۰۱..... محمود شاه‌رخ‌ی / امشب کتاب شرع را شیرازه بستند
 ۷۰۲..... آیت‌الله العظمی وحید خراسانی / قیامت قامتی قائم به عدل است
 ۷۰۹..... محمدرضا خداشناس / لافتی را وارث برحق تویی
 ۷۱۰..... علی هراتیان / یاد مهدی یاد جمله اولیاست
 ۷۱۲..... اسماعیل سدید / خاک از او تاج سر افلاک شد
 ۷۱۵..... اصغر بحرانی / با تو صوت بلبلان گل می‌کند
 ۷۱۶..... سید محمدباقر میرداماد / شخص تو چون نفس و جهان چون بدن
 ۷۱۸..... جلال‌الدین همای / اندر قدم تو جان فشانیم

مسط‌ها

- ۷۲۳..... علی سعدی کوهی / امشب است آن شب که دل از عشق دلبر در تب است
 ۷۲۴..... حسن صالحی خمینی / در انتظار روی او باشد جهان، بیا
 ۷۲۷..... محمود حجتی / در کشور مدح تو برد تیر بر لال
 ۷۲۹..... سید حبیب‌الله زیتونی / ای ماه من ز دیده بیت با به در
 ۷۳۱..... سید محمدتقی مرعشی / چه شود پرده ز نبرد مگر برگیری
 ۷۳۳..... قاسم طهرانی / بازای، نظر کن تو بر این امت بی‌تاب
 ۷۳۵..... عبدالکریم شمس / دفتر هستی ما باز عنوان تو شد
 ۷۳۶..... حبیب‌الله منطقی / خوشم که نام تو شد زیب دفتر و دیوان
 ۷۳۷..... سینای سپاهانی / بی مهر رخت روز جهانی چو شب آمد
 ۷۴۰..... محمدعلی مردانی / از پس ابر سیه جلوۀ خورشید نکوست
 ۷۴۲..... صغیر اصفهانی / تیغ ابرو برکشد چون ذوالفقار بو تراب
 ۷۴۳..... خوشدل تهرانی / شکرلله که به مقصود رسیدم امروز
 ۷۴۶..... عباس مصباح‌زاده / خاک کویش به نظر جلوهای از عرش خداست
 ۷۴۹..... روح‌الله کشفی / نیست تو را با خدا مگر ز توحید فرق
 ۷۵۳..... سید هبه‌الله بهشتی لاری / خورشید شد از مهر رخس مشعله‌بردار
 ۷۵۷..... تمکین کرمانشاهی / زُخس را ماه نو برهان قاطع
 ۷۵۹..... گلزار اصفهانی / ای که در مدح تو گشته حیران عقول
 ۷۶۱..... اویس افشار / ای به فدایت جهان که جان جهانی
 ۷۶۳..... هدایت‌الله عجمی / تا به کی باشی تو ای خورشید رخشان در حجاب؟

- حبیب‌الله منطقی / تازه شد از مقدمش، رسم جهان کهن ۷۶۵
 اشرف‌الدین حسینی گیلانی / زبانم در ثنایش گشته الکن ۷۶۸
 محمد حسن صفوی پور / آشکارا نور حق از پرتو سیمای اوست ۷۷۰
 خوشدل تهرانی / در نیمه شعبان شود ماه تمامی پرده در ۷۷۲
 صامت بروجردی / تا کی نقاب مهر درخشان شود حجاب؟ ۷۷۶
 صفرعلی محمدی کیا / این فاصله‌ها کم کن بردار تو حایل را ۷۷۹

ترجیع‌بندها و ترکیب‌بندها

- حاجب شیاری / حسن تو بی سیاه سراسر جهان گرفت ۷۸۳
 سید علی قائمی عظامی / مژده ای دل که دل‌ستان آمد ۷۸۵
 محمد آزادگان / طایفه ل هستی او / ماسوی‌الله ز اکبر و اصغر ۷۸۸
 میرزا جواد تجلی / باز آ که به لب رسید جانم ۷۹۱
 میرزا سیدمهدی قدسی / دل نر بر شکفت در گلشن ۷۹۶
 سیدمحمدتقی مقدم / آن بر تابانم ۷۹۷
 غلامرضا قدسی نژاد / عاقبت آن در بیخ روشن از افق سر می‌زند ۸۰۰
 ابن حسام خوسفی / کشور سیاه گشت بجا آفتاب ۸۰۳
 نعمت‌الله ذکایی بیضایی / سوخت دل از فرق تو، پرده فروهل ۸۰۷
 قاسم سرویها / او به قرآن بود آن سان که معانی به کلام ۸۱۲

سایر قالب‌ها (چهارپاره، نیمایی، پید)

- محمدعلی دهقانی «دانا» (متولد ۱۳۴۴ ش) / آن مرد خواهد مد ۸۱۷
 نسترن قدرتی (متولد ۱۳۲۱ ش) / او از تبار آبی دریاست ۸۱۸
 سلمان هراتی (۱۳۳۸ - ۱۳۶۵ ش) / با تو آسمان تولدی دوباره یافت ۸۱۹
 سهراب باقری (متولد ۱۳۴۴ ش) / کوچه‌ها سرشار از موسیقی سلام می‌شوند ۸۲۱
 مصطفی موسوی گرمارودی (متولد ۱۳۳۳ ش) / زیباترین ترانه شرقی ۸۲۲
 فهرست شاعران ۸۲۵
 کتابنامه ۸۳۱

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

نگاهی به سنت شعر آیینی

شعر آیینی، معنای تخصصی اصطلاحی است که از دهه هشتاد در زبان پژوهشگران شعر فارسی به کار رفت. این گونه از شعر گستره و تنوع فراوانی دارد و آن را با معیارهایی همچون وفور واژگان و اصطلاحات مذهبی و دینی، به اصطلاح تخصصی تر فراوانی تضمین و تلمیح، برخوردار از موضوعات معرفتی و اعتقادی، بر وسبب ستایشی و بُعد رسانگی (یعنی به عنوان رسانه در خدمت تبلیغ باورهای دینی و اعتقادی بودن می‌شمارند. با توجه به این ویژگی‌ها اشعاری از این قبیل در دامنه شعر آیینی می‌گنجند: شعر مدیحه مستجاب است نه برای مدح و ستایش و تکریم شخصیت‌های دینی و بزرگان و چهره‌های معنوی به کار می‌رود؛ همانند اشعاری در توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، امامزادگان و علما و شخصیت‌های دینی و یادگارهایی چون غدیر، بعثت، هجرت و ولادت معصومین علیهم السلام. شعر مرثیه و سوگ سروده‌هایی که در شهادت و نکال سوگواری بزرگان دینی خوانده می‌شود؛ مانند عاشورا، اربعین حسینی، شهادت ائمه علیهم السلام، رحلت بزرگان یا رخدادهای غمبار و از دست دادن شخصیت‌های بزرگ دینی. سروده‌های مرتبط با آیین‌های ملی-مذهبی مانند پیروزی‌ها و یادگارهای بزرگ و شعر نیایش و مناجات.

راز ماندگاری شعر آیینی

ایمان و باور شاعران شیعه همواره انگیزه نخست در آفرینش و سرایش اشعار بلند در سوگ و ستایش بزرگان دین بوده است و از همین رو رویش‌ها و رسش‌های شعر آیینی خود جلوه‌ای از باور و ایمان نسبت به مفاهیم قدسی در سطوح مختلف جامعه و دینداران تواند بود. آن‌گاه که شاعری از عمق جان، معصوم علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهد یا درباره یک مفهوم مقدس سخن می‌سراید، اثر وی رنگ و بویی متفاوت از اشعاری که برای خوشایند فلان سلطان یا وزیر دربار سروده شده خواهد داشت. از همین رو

شعر آیینی و ورود در این عرصه خود کوششی سترگ و گام نهادن در مسیری است که ایمان را بارور می‌کند و روح را از سرچشمه‌ای جوشان سیراب می‌نماید. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «هر کس درباره ما بیت شعری بسراید، روح القدس او را یاری می‌کند».^۱ و نیز «هر کس درباره ما بیت شعری بسراید خداوند خانه‌ای برایش در بهشت می‌سازد».^۲ در حقیقت آنچه شعر آیینی را ماندگار می‌سازد همراهی نیت و باور شاعر با خواست و اراده خداوند، پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام است؛ همچنان که در قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَيِّرُ اللَّهُ عِبَادَةَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَأَسْأَلَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛ «این همان [پاداشی] است که خداوندگار خود، اکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رساله] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی در باره خویشاوندان». و هر کس نیکی به جای آورد [وظایف] را بر سر آورد، بی‌ای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است».^۳

در شعر آیینی نیز با بیان و ادب، مین مؤدت و محبت روبرو هستیم و شاعر جان مایه وجود خود را که همان واژه‌ها و تعبیر است، ای‌نشان دادن این عشق به کار گرفته است. طبیعتاً حضرت حق نیز پاداش چنین کوششی را در ماندگاری، آرزو می‌نهد؛ البته هر چه شعر با اصول و ساختارهای هنری هماهنگ‌تر باشد در دست‌یابی به این موفقیت دستری خواهد داشت.

این چنین است که شعر آیینی تجلی هماهنگی ایمان فرد و خواست حضرت حق می‌شود و راز ماندگاری شعر آیینی نیز به یقین در همین معناست.

بایستگی‌های تدوین گزیده شعر مهدوی

سنت گزیده‌نویسی در جهان شعر و ادب، از سنت‌های دیرپای و شناخته شده است و در اینجا نیز درباره دانشنامه شعر مهدوی انجام این مهم از چندین منظر ضروری می‌نماید. دانشنامه شعر مهدوی کوششی است بزرگ برای به تصویر کشیدن تلاش شاعران پارسی‌گوی از سرآغاز زایش شعر فارسی تا دوران ادب معاصر در مسیر عرض ارادت به ساحت مقدس امام عصر حضرت حجة‌ابن‌الحسن (عج) که در صفحه تاریخ از خود به یادگار گذاشته‌اند. این مجموعه که در قالب ۲۹ جلد پیش روی مخاطبان علاقه‌مند به شعر آیینی نهاده آمد ضرورت کار ایجاب می‌کرد که سیر تاریخی در نقل اشعار رعایت شود

۱. عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۷.

۲. همان‌جا.

۳. شوری: ۲۳.

و به همین دلیل امکان دسته‌بندی‌های ادبی و محتوایی در متن اصلی دانشنامه مهیا نبود و البته اهل تحقیق آگاهند که در کارهایی از این دست چنین امکانی در دست نیست مگر از راه تدوین گزیده‌های تکمیلی. لذا در متن اصلی دانشنامه اشعار سروده شده به هیچ روی یک‌دست نیستند و از اشعار بلند شاعران سنتی سرای تا ابیات تقلیدی از دیوان حافظ و سعدی در آن دیده می‌شود. میزان شناخت شاعران از شخصیت معصوم علیه السلام و توان ادبی آن‌ها هیچ‌گاه در یک سطح نیست و برخی اشعار از نظر محتوا و برخی از نظر زبان کاستی‌های عمیقی دارند. به عنوان نمونه به این ابیات توجه بفرمایید:

بیا روکوان ماه سیه چشم
دل افسرده‌ام از غم رها کن

تعبیری مانند بروکمان برای معشوق در سنت ادبی رایج است، اما با کدام شناخت از امام معصوم علیه السلام به خود اجازه می‌دهد چنین تعبیر یا ستایشی را برای ایشان به کار ببریم. یا ضعف تألیف و کاستی دستوری موجود در سه بیت زیر از همان غزل که بر هر کس آشکار است.

بیا ای مَحرم دل‌مانی خسته
مرا از بند نفسانی جدا کن
بیا پا بر دو چشم شیعه بگذار
ستون خیمهٔ دین را هوا کن
کِشم گرد و غبار ره به دیده
ظهورت را طلب خود از خدا کن^۱

تعبیراتی مانند ستون را هوا کردن نه تنها از زبان ادب به دور هستند بلکه عامیانه و بسیار سطح پایین به شمار می‌روند. بر اهل ادب پوشیده نیست که در این ابیات حتی در حد یک نظم خوب هم نیست و اشکال‌های متعدد نحوی و انتخاب‌های نابجا در ترکیب و اصطلاحات تا چه اندازه به محتوای شعر لطمه زده است.

از دیگر کاستی‌های مهم عدم رعایت اصول ادبی در تدوین شعر و وجود سته‌ها، عروضی و خطا در انتخاب ردیف و قافیه در اشعار شاعران است. تقلید از اوزان و قوافی شاعران بزرگ پارسی‌گو به‌ویژه حافظ و سعدی نیز از دیگر کاستی‌های اشعار موجود در دانشنامهٔ شعر مهدوی است، مانند این شعر که در جلد بیستم به چشم می‌خورد:

چو به بارگاه جانان برسی صبا، خدا را
به امام ما فراوان برسان سلام ما را
برسانش از غریبان تو پیام آشنایی
که کسی نمی‌شناسد چو غریب آشنا را^۲
اگر بخواهیم به تمام موارد ایرادات شکلی اشعار اشاره کنیم سخن به دراز می‌کشد و از مجال این

مقدمه فراتر می‌رود. غرض نشان دادن مواردی بود که از نگاه تدوین یک دانشنامه جامع از شعر آیینی و مهدوی گردآوردن آن‌ها ضرورت دارد، اما از منظر هنر شاعری کاستی‌های فراوان در آن به چشم می‌خورد.

از ضعف‌های ساختاری که بگذریم، نکته قابل توجه دیگر ضعف محتوایی موجود در برخی از اشعار مهدوی است. ضعفی که در بیشتر موارد ناشی از ناآگاهی شاعر از مقام و جایگاه امام و یکسان‌انگاری وجود حضرت مهدی علیه السلام با معشوق زمینی داشته است. هر چند از دیدگاه عاطفی می‌توان از این گونه اشعار کم و بیش دفاع کرد، اما از دید امام‌شناسی اگر مطلوب و غایت شعر آیینی را بالا بردن طراز معرفتی مخاطبان، خوانندگان سخن نسبت به امام معصوم علیه السلام بدانیم، این گونه اشعار از این کمال مطلوب، ماه فاسدنگ‌ها به دور هستند و لازم است تا در نگاه شاعرانی که تازه به این عرصه پای می‌نهند تغییری در این زمینه ایجاد شود. به عنوان نمونه به ذکر یکی از این دست اشعار بسنده می‌شود و پیش از نقل نمونه یادآور می‌گردیم که نگاه شاعران بی‌دقت به لوازم جایگاه امام و مأموم آن‌چنان سخن عاشقانه با امام سر داده‌اند که به نیت این ناپسندی همچون معشوق مذکر را فریاد می‌آورد:

زیاس‌های تو مشتی بپاشم از سر شوق به روی آب و قدح را پر از ستاره کنم
هزار بوسه در انتظار لک رده را نثار آن لب خوش‌خند و خوش‌قواره کنم
هنوز هم غزلم شوکرانی است، آن که از لب تو شکرخندی استعاره کنم^۱

تعابیری مانند یاس‌های تو که گویا استعاره از بوی خورشید امام علیه السلام است و هزار بوسه دادن بر ... و مانند آن جز در غزل مذکور در سنت شعر فارسی جایی به کار نرفته‌اند. به همین دلیل این اشعار را نمی‌توان از نمونه‌های بلند و عالی به شمار آورد.

به طور خلاصه باید اشاره کرد اگر هدف شاعران آیینی اظهار ارادت به پیشگاه صاحب‌العصر و الزمان (عج) و دیگر معصومین علیهم السلام است، در عین ولایی و تقدس این هدک، نباید این حقیقت را فراموش کرد که ابزار ابراز این ارادت و تحقق این انگیزه والا، زبان و ادبیات است. ادبیات آن هنگام می‌تواند بر جان مخاطب تأثیر بنهد و بر خاطر او نقش ببندد که از امکانات آن در عرصه‌های مختلف واژگانی و موسیقایی به درستی استفاده شده باشد. شاعری که قصد سرودن شعر آیینی دارد دست‌کم باید در دو زمینه کلی خود را توانمند کند: نخست دامنه آگاهی خود را از مقام امام علیه السلام و دانش

امام‌شناسی وسعت ببخشد تا خدای ناکرده سخن وی در توصیف امام علیه السلام نقض غرض نباشد و مخاطبان را به گمراهی نیفکند و دیگر آگاهی از بایستگی‌های سخن ادبی که با توجه به قالب انتخابی و زمان و سبک سرودن شعر جنبه‌ها و جلوه‌های متنوع و متفاوتی در بر دارد.

سخن دربارهٔ این بایستگی‌ها و پژوهش دربارهٔ عرصه‌های نکاویدهٔ شعر آیینی بسیار است و دست‌یابی به تحلیل‌های دقیق در این زمینه از موضوع‌هایی که پژوهشگران محترم با ژرف‌کاوی در دانشنامهٔ شعر آیینی خود می‌توانند بدان دست یابند و نکته‌ها و نکته‌های تازهٔ بسیاری را پیش روی مخاطبان ادب آیینی بدهند. اگر بخواهیم فهرست‌وار کاستی‌های چشم‌نمای شعر آیینی که از رهگذر تحقیق و پژوهش در دانشنامهٔ شعر مهدوی را که تاکنون بر این قلم روشن شده است مرور کنیم می‌توان این موارد را بر سه مورد: ۱- آشنایی با عروض و قافیه، تکرار مکرر برخی تصاویر (مانند خورشید پشت ابر، پردهٔ غیب و گل‌رنگ)، ۲- فقر آن اطلاعات مذهبی کافی، نبود ارتباط معنایی میان دو مصرع، ۳- ناآشنایی با دبستور زبان و کاستی بی‌شماری در دستور، و فور جمله‌های ناقص و بی‌فعل، استفاده از واژه‌های نامرتب برای پرکردن وزن عروضی و قافیه، تغییر ساختار واژه برای گنجاندن آن در وزن، قافیه محوری، استفاده از واژه‌های نامتناسب با مضمون علیه السلام در ستایش به ویژه ستایش‌های عاشقانه، بی‌توجهی به ظرافت‌های ادبی و نداشتن زیبایی‌های زبانی و بیانی، کژتابی‌های متعدد، در آمیختن شعر با دعا و نوحه و... بی‌توجهی به ضرورت‌های سبکی، تقلد خام از اوزان و قوافی اشعار نامدار.

ضرورت تدوین گزیده‌ای از دانشنامهٔ شعر مهدوی

با مروری بر نکاتی که در بخش پیشین گفته شد، ضرورت تدوین گزینشی از دانشنامهٔ شعر مهدوی که مشتمل بر بهترین اشعار شاعران در هر دوره و سبکی باشد، مشخص می‌شود. اگر کسی به قصد التذاذ ادبی، یا الگوگیری از بهترین اشعار آیینی سروده شده در وصف امام زمان علیه السلام برای سرایش اشعار تازه و یا استشهاد به اشعار در سخن و نوشتهٔ خود به سراغ اشعار دانشنامهٔ شعر مهدوی برود، کمتر به مقصود خود خواهد رسید، چرا که بنا به کاستی‌هایی که به طور اختصار و فهرست‌وار بدان اشاره شد، ساختار دانشنامه مبتنی بر جامعیت و بر اساس سیر تاریخی تنظیم شده است و اشعار موجود به صورت یکپارچه و بدون توجه به نقاط ضعف و کاستی‌ها کنار هم قرار گرفته‌اند. ای بسا اگر شاعری با نگاه‌گزینشی مورد توجه قرار گیرد، ذکر یکی از اشعار او وافی به مقصود باشد، اما وی چندین مجموعه و دیوان در ستایش امام عصر (عج) سروده است و خوانندهٔ غیر متخصص در نمی‌یابد که کدام اشعار

نمونه‌های عالی و بلندی هستند که در وصف و ستایش مقام امام علیه السلام سروده شده‌اند و شاید حتی کسی با دیدن یکی دو مجموعه و دیوان از اشعار مهدوی که از قضا از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نیستند گمان ببرد که اشعار مهدوی به طور کلی در همین سطح هستند. بنابراین ضرورت دارد تا گزیده‌ای جامع از اشعار دانشنامه شعر مهدوی فراهم شود تا به این اهداف جامعۀ تحقق بپوشاند. مجموعه حاضر کوششی است در پاسخ به همین هدف و ضرورت.

دشوارترین نکته‌ای که در مسیر تحقق این هدف پیش روی پژوهشگران قرار داشت، تدوین معیارهایی برای انتخاب اشعار گزینش شده بود، معیارهایی که از نظر علمی قابل ارائه و مشترک در پژوهش‌ها و ادب باشند و از سوی دیگر گردآورندگان گزیده بر سر آن‌ها توافق نسبی داشته باشند. بدین منظور از گروه همکاران پژوهش درخواست شد تا تمام اشعار دانشنامه شعر مهدوی را با دقت بخوانند و هر شعری که از کستی‌های آشکار در آن نشانی نبود و توجه را به خود جلب می‌کرد استخراج کرده و بر مبنای قالب و قافیه به طبع بندی کنند. طبیعتاً از آن‌جا که بسیاری از شاعران آیینی گمنامند و از شاعران طراز اول ادب فارسی به شمار نمی‌روند، انتظار آن‌که با تعداد کثیری از شاهکارهای ادبی رویارو باشیم، نابجا می‌نمود. بنابراین ما همایی با تسامح بیشتر برای انتخاب اشعار گزیده تدوین گردید و مد نظر قرار گرفت. این معیارها عبارتند از:

۱. علو معنا

مهم‌ترین ویژگی شعر آیینی که جان مایه شناخت و سباز آن از دیگر اشعار است انگیزش‌های معنایی موجود در شعر آیینی است. این انگیزش‌های معنایی در نگاه سبک‌شناسانه قدما و بزرگان ادب فارسی، علو معنا نامیده می‌شدند و یکی از معیارهای شعریت و عِلو بودن اثر ادبی به شمار می‌رفتند. پرداختن به موضوع‌های اخلاقی و انسانی صرف نظر از توانایی شاعر خود امری والا و ستودنی به شمار می‌آمد. بسیاری از اشعار آیینی، صرف نظر از داشتن یا فقدان ویژگی‌های زبانی و بیانی، از این امر مهم محتوایی برخوردارند که می‌توان آن را به همان سبک گذشتگان علو معنا نامید. این اشعار نمونه عالی از تلمیح صحیح به آیات و احادیث و اشاره به مفاهیم والا در شناخت امام معصوم علیه السلام هستند و گاه فشرده‌ای از معارف امام‌شناسی را با خود دارند. مانند این شعر:

گل همیشه بهارم ببین خزان باقی است
 خراش صاعقه بر چهر آسمان باقی است
 حدیث سیلی توفان به چهره گل سرخ
 هنوز بر دهن یاس و ارغوان باقی است

این شعر با اشاره به مفاهیم مرتبط با بانوی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام آغاز می‌شود و چنان که می‌دانیم امام زمان علیه السلام و به طور کلی معصومین علیهم السلام از پرداختن به ویژگی‌های مادر بزرگوارشان بسیار خشنود می‌شوند. در ادامه شاعر به شکلی ظریف و پوشیده به ماجرای کربلا اشاره می‌کند و این فراز مهم از تاریخ تشیع را به عنوان زمینه‌سازی برای پیوند زدن شعر خود با مفهوم امام زمان علیه السلام در قالب یک تمهید می‌آورد:

نشان مرگ و بلا بود در کویر سکوت غریو رعد که در گوش هر کران باقی است
شکست کشی امن از شقاوت طوفان به روی آب فقط دست بادبان باقی است
آن‌گاه از مضمون امید و رویش موجود در بهار طبیعت که از مضامین مورد علاقه شاعران فارسی‌گوست استفاد می‌کند و آن را با رویش جان‌ها در پرتو ظهور امام زمان پیوند می‌زند:

امید رویش گل را خزان رو از باغ امید رجعت سرسبز باغبان باقی است
اشاره به غدیر نیز در بیت بعدی همین خزان به یکی دیگر از عناصر اساسی اعتقادی شیعی می‌پردازد و ساختار محتوایی شعر را تکمیل می‌کند. دست‌نمیر جاست که کاملاً متناسب با مفهوم به آیه قرآن نیز تلمیح داده شده است:

گل همیشه‌بهارم غدیر آمده است ذراب کهنه ما در خم جهان باقی است
خدای گفت که «اکملت دینکم» آنک نوا، گرم نی در رگ زمان باقی است
در دو بیت پایانی نیز شاعر به سبک شریطه و دعا که از الگوهای رسمی در غزل و قصیده مدحی در زبان فارسی است به مقام والای اهل بیت علیهم السلام و اهمیت ولایت آنان اشاره می‌کند. عای ظهور حضرت مهدی علیه السلام را حسن ختام سخن خود قرار می‌دهد:

قسم به خون گل سرخ در بهار و خزان ولایت علی و آل جاودان باقی است
گل همیشه‌بهارم بیا که آیه عشق به نام پاک تو در ذهن مردمان باقی است
در حقیقت این شعر از استاد مصطفی موسوی گرم‌رودی فشرده‌ای از مهم‌ترین آیات و احادیث مدنظر شاعران در شناخت و ستایش حضرت مهدی علیه السلام را در خود دارد و از نظر مضمونی یکی از بهترین نمونه‌های گزیده به شمار می‌رود.